

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

www.iskraa.net

ایسکرا

۵۸۳ ویژه ۲۸ مرداد ۵۸

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سرمدبیر: عبدالگیریان

۱۹ مرداد ۱۳۹۰، ۱۰ اوت ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

فرمان حمله خمینی به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ و نگاهی تاریخی به آن دوره مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران



ایسکرا: محمد آسنگران ۲۸

مرداد سال ۵۸ در تاریخ معاصر ایران بعنوان روزی که خمینی فرمان حمله به کردستان را صادر کرد ثبت شده است. می خواهیم از زبان شما بشنومیم که صدور این فرمان مغول وار به کردستان از سوی خمینی چه پیش زمینه هایی داشت، علت

صدور چنین فرمانی از کجا ناشی شد که آن همه فجایع را بیار آورد؟
محمد آسنگران: اجازه بدهید ابتدا به پیش زمینه ها بپردازم. قبل از فرمان یورش خمینی در ۲۸ مرداد سال ۵۸ عزم رژیم تازه به قدرت رسیده برای مهار و شکست انقلاب ۵۷ آغاز شده بود. در واقع همان روز که قدرت گیری خمینی و

صفحه ۲

مروری کوتاه به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۸ سالروز فرمان حمله خمینی به کردستان



محمدامین کمانگر

مردم انقلاب کردند تا با سرنگون کردن رژیم شاه به آزادی و

برابری دست پیدا کنند. مردم ایران با قیام سال ۵۷ کوشیدند که حقوق پایمال شده و حرمت انسانیشان را احیا کنند. مردم انقلاب کردند که یک زندگی شایسته انسان امروز را بسازند اما این مسئله بوقوع نیویست. دولتهای غربی و آمریکا از



صفحه ۵

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۸

تجمع اعتراضی ۴۰۰ نفر از کارگران ساختمانی در سنندج



بنا به خبر منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز سه شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۰، حدود ۴۰۰ نفر از کارگران ساختمانی در اعتراض به

اجرا نکردن طرح موسوم به "بیمه کارگران ساختمانی" در مقابل شعبه ۲ بیمه تامین اجتماعی واقع در چهار راه انقلاب (سیروس سابق) صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فرمان حمله خمینی به کردستان ...

از صفحه ۱



ادامه داشت.

فرمان و فتوای خمینی برای سرکوب مردم کردستان و مخالفین در ۲۸ مرداد ۵۸ نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران محسوب میشود. فاصله به قدرت رسیدن خمینی و اسلام سیاسی تا صدور فرمان جنگ علیه مردم کردستان فقط ۶ ماه بود. در همین شش ماه

در جامعه کردستان، انقلاب همچنان سیر پیشروی و تعمیق خود را ادامه میداد. فضای انقلابی و خواست و مطالبات مردم مرتب سیر رو به گسترش و آگاهانه ای را طی میکرد. خمینی و دارو دسته های اسلامی که تصمیم گرفته بودند در قدم اول انقلاب را متوقف و بعدا شکست بدهند، این اوضاع در کردستان را غیر قابل تحمل میدانستند. به همین دلیل خمینی با فرمان صدور حمله به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ لشکر کشی و سرکوب مخالفین و مردم کردستان را آغاز و با تمام سبعت و بیرحمی ادامه داد. جنگ از روانسر و پاره آغاز و به تمام کردستان گسترش یافت.

در همان هفته های اول صدها نفر کشته و زخمی و اعدام شدند. از جمله کسانی که در همین روزهای اول به دست خلیجی اعدام شدند بهمین عزتی و دکتور رشوند سرداری همراه هفت نفر دیگر بودند. این ۹ نفر در ساعت ۶ بامداد ۳۰ مرداد ۱۳۵۸ در شهر پاره تیرباران شدند.

خلیجی با حکم خمینی به کردستان اعزام شد و صدها نفر را بازداشت و بدون محاکمه، بدون وکیل و بدون پروسه تحقیق ... دسته دسته به جوخه اعدام سپرد.

دو هفته بعد از فرمان خمینی قتل عام مردم روستاهای قارنا و قلاتان و کانی مام سیده و صوفیان ... آغاز شد. در جریان فاجعه قارنا و قلاتان نه تنها مخالفین که تمام موجودات زنده تیرباران، و یا با قمه مثله شدند. تعداد زیادی سرشان از تن جدا شد و به معنای دقیق کلمه سلاخی شدند. اولین قربانی این حمله وحشیانه آخوند روستا بود که قرآن به دست خواسته بود لشکریان اسلامی را از کشتار مردم منصرف کند. در همان لحظه اول سر او را از

دوم اینکه به دستگاه قدرت و حاکمیت خود سروسامان بدهند. در این راستا بستن روزنامه های منتقد، حمله به مخالفین و بویژه حمله به جریانان چپ و غیر اسلامی را آغاز کردند. دستور رعایت حجاب زنان را ابلاغ کردند، اسلامی کردن ادارات، ارگانها و قوانین و مناسبات جامعه را در دستور گذاشتند و هر مانعی را با زور سرکوب از جلو پای اجرایی شدن این اقدامات بر میداشتند.

قبل از فرمان حمله خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان، نوروز خونین سنندج در بهار ۵۸ زمانی اتفاق افتاد که تنها ۴۰ روز از قیام ۲۲ بهمن ۵۷ سپری شده بود. بنا به آمار منتشر شده بیش از هزار نفر از مردم بوسیله نیروهای مستقر در پادگان سنندج و دیگر مراکز نیروهای مسلح کشته و اسیر شده بودند. مردم سیاست سرکوبگرانه و بیرحمانه ارتش جمهوری اسلامی را دیده بودند. این درگیری ناخواسته و تحمیلی توسط شخصی بنام صفدری که نماینده خمینی در شهر سنندج بود بوقوع پیوست.

بعد از این وقایع مردم ترکمن صحرا را سرکوب کردند و جنایات بیشماری را در خوزستان مرتکب شدند مردم انقلاب کرده را از بازگشت رژیم سلطنتی میترساندند و مرتب تبلیغ میکردند که مخالفین در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا و غیره عوامل آمریکا و رژیم پادشاهی و عوامل بیگانه هستند.

در قدم اول تلاش کردند با تقویت جریان احمد مفتی زاده که یک جریان اسلامی مرتجع سنی اما آدم شناخته شده ای در کردستان بود قضیه را فیصله بدهند. مفتی زاده به عنوان نیروی محلی رژیم تازه به قدرت رسیده دارودسته های مسلح خود را برای مقابله با کمونیستها و

تجمع اعتراضی ۴۰۰ نفر از ...

از صفحه ۱

شهر سنندج، تجمع کردند. تجمع اعتراضی کارگران از ساعت هشت و سی دقیقه صبح شروع و تا ساعت ۱۰ ادامه داشت که با دخالت نیروهای انتظامی پایان یافت.

لازم به ذکر است که سازمان تامین اجتماعی، ماهانه مبلغی را به عنوان حق بیمه از این کارگران دریافت کرده، اما در بیمه کردن کارگران هیچ اقدامی انجام نداده است. تجمع کنندگان طی طوماری که ۳۰۰ نفر آن را امضاء کرده بودند خواهان صدور دفترچه بیمه خود شده و اظهار داشتند در صورت عدم پاسخ گویی و عدم رفع مشکلشان دوباره تجمع اعتراضی برپا خواهند کرد. در خاتمه این حرکت اعتراضی دو نفر از کارگران به عنوان نماینده به داخل اداره بیمه رفته و بدون نتیجه بازگشتند و مسئولین بیمه تامین اجتماعی کارگران را تهدید به حضور نیروهای امنیتی کردند. سرانجام زیر فشار اعتراض کارگران برخی از مسئولین سازمان تامین ناگزیر

به حضور در جمع کارگران معترض شده و وعده دادند که تا روز شنبه به مشکل آنان رسیدگی خواهد شد. کارگران نیز اعلام کردند که اگر به مشکلشان رسیدگی نشود بار دیگر دست به تجمع خواهند زد.

کارگران خوب می دانند که وعده های مسئولین بیمه تامین اجتماعی و دیگر نهادهای حکومت و کارفرمایان هیچ گونه اعتباری ندارد و آنها هیچگاه به مشکلات عدیده کارگران کوچکترین توجهی نکرده اند. کمیته کردستان حزب از مبارزه و اعتراض کارگران ساختمانی سنندج حمایت می کند و آنان را به ادامه تجمع اعتراضی تا دست یابی به خواسته هایشان فرا می خواند.

زنده باد اتحاد و
همبستگی کارگری
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۴ اوت ۲۰۱۱
۱۳ مرداد ۱۳۹۰

بویژه جریانان چپ و کمونیست هیچ راهی بجز مقاومت و فراخوان به مقابله با آن نداشتند. مردم کردستان یکپارچه دست به مقاومت زدند. در این مقطع تاریخی حزب دمکرات کردستان هم ناچار شد از خود مقاومت نشان بدهد زیرا همه راه های سازش و معامله به روی او بسته شد. مردم به فراخوان کومله جنگ و مقاومت در مقابل این یورش را آغاز کردند و حزب دمکرات را هم تحت فشار قرار دادند که باید به جبهه مقاومت کمک کند. این مرحله از جنگ بیش از سه ماه طول نکشید که نیروهای رژیم با شکستهای پی در پی ناچار به عقب نشینی و تلفات زیادی شدند.

هنگامیکه رژیم تازه به قدرت رسیده متوجه ضعف نیروهای مسلح خود شد و مقاومت یکپارچه مردم کردستان را دید، ناچاراً تاکتیک

تن جدا کردند و بعدا هنگام خاکسپاری، جنازه او و تعداد زیادی از مردم سلاخی شده بدون سر دفن شدند. لشکریان اسلام سرها را از تن جدا کرده و با خود برده بودند. برای اینکه تصویر دقیقی از این جهاد اسلامی داده شود کافی است به خاطرات یکی از پاسداران حاضر در آن درگیری نگاهی بیندازیم:

"همه را قتل عام کرده بودند. نیرویی هم که با ما بود متوحش شده بود. مثل این بود که به شهر ارواح رسیده باشیم. زن و بچه، حتی مرغ و خروس و اسب و الاغ را لت و پار کرده بودند..."

"پشت پرده های انقلاب اسلامی اعترافات حسین بروجرودی" به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه صفحه ۲۷۷

در مقابل این یورش مغول وار مردم کردستان و جریانان سیاسی

فرمان حمله خمینی به کردستان ...

از صفحه ۲



مذاکره و آتش بس را قبول کرد.

در آن زمان و بعد از سه ماه جنگ و کشتار به فرمان خمینی اکنون باز هم به فرمان او آتش بس برقرار شد و پروسه مذاکره شروع شد. نیروی مسلح احزاب به شهرها برگشتند و کنترل شهرهای کردستان را به عهده گرفتند. در همه شهرها مردم شروع به خود سازماندهی کردند. انواع سازمانهای توده ای شکل گرفت. از شوراهای محله تا سندیکاهای کارگری و جمعیت ها و کانونهای مختلف در مکانهای زیست و کار و آموزش گرفته تا سازمانهای سیاسی و مسلح، جنب و جوش بی نظیری آغاز شد. در این زمان نیروهای سیاسی فعال در کردستان هیئتی به اسم "هیئت نمایندگی خلق کرد" را تشکیل دادند. این هیئت متشکل بود از نمایندگان از کومله، حزب دمکرات، سازمان چریکهای فدایی خلق و شیخ عزالدین حسینی. اما رژیم اسلامی تاکتیک مذاکره را نه برای مذاکره و عملی کردن مطالبات مردم کردستان بلکه برای این انتخاب کرده بود که بتواند خود را سازمان بدهد و با قدرت چند برابر حمله نهایی را آغاز کند. به همین دلیل هیچ وقت مذاکره جدی با این هیئت آغاز نشد.

نهایتا نمایندگان حزب دمکرات دست از پا درازتر هر چقدر به پیام خمینی هم لبیک گفتند دست خالی روانه خانه شدند. این پروسه تلاش برای مذاکره پنهانی و تک روانه حزب دمکرات دو علت داشت. یکی اینکه حزب دمکرات به همان اندازه خمینی و جریانهای اسلامی از کمونیسم و رشد چپ در جامعه نگران بود و از این طریق تلاش میکرد که کمونیسم و چپ جامعه را حاشیه ای کند و خود را نماینده مردم کردستان قلمداد کند. همان کاری که قبلا مفتی زاده کرده بود و شکستش را همه دیده بودند. دیگری اینکه سنا کردستان را ملک طلق خود میدانست و هنوز در دوران توهمات جنگ دوم جهانی بسر میبرد که در میان اختلافات آن زمان قدرتهای جهانی، رهبران این حرکت توانسته بودند با کمک ارتش



استالین حزبشان را شکل بدهند و حکومتی چند هفته ای در مهاباد به اسم جمهوری خود مختار کردستان اعلام کنند. این حزب متوجه نبود و فکر کنم هنوز متوجه نشده است که دنیای امروز و بالطبع جامعه کردستان امروز با آن زمان بسیار متفاوت است.

ایسکرا: به مقاومت و ایستادگی مردم و جریانهای سیاسی مختلف در مقابل این یورش اشاره کردید، اگر ممکن است تصویری از جبهه انقلاب، نقش مردم، سازمانهای سیاسی در تقابل با این تهاجم را برای خوانندگان ایسکرا بیان کنید.

محمد آستگران: جبهه انقلاب

کردستان علاوه بر زمینه های اجتماعی که وجود داشت، يك نکته مهم دیگر این بود که چپ در کردستان هیچ توهمی به رژیم تازه به قدرت رسیده نداشت و ماهیت واقعی آنرا برای مردم افشا کرده بود. مذهب و آخوند در کردستان فوق العاده بی اعتبار بودند. اتفاقی که در کردستان افتاد حضور و نقش فعال کمونیستها در حرکات اعتراضی مردمی بود.

برای اولین بار کمونیستها در يك بعد اجتماعی جریانهای مذهبی را در جریان انقلاب و بعد از آن شکست دادند. هر اندازه حزب دمکرات سعی میکرد با جریان مذهبی به رهبری احمد مفتی زاده



همچنانکه بالاتر اشاره کردم در ایران، "و نه در کردستان" به دلیل فشار دسته جات حزب الهی، و دستور خمینی و خیل آخوندهای تازه به قدرت رسیده و توهمات بخشهایی از مردم و به دلیل همراهی جریانهای سیاسی از نوع نهضت آزادی، جبهه ملی، حزب توده و بعدا سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریست) و سازمان مجاهدین خلق تا اوایل سال ۱۳۶۰ ابتدا با موانع این جریانهای مواجه شد و بعدا حکومت اسلامی با اتکا به وحشیگری و جنایت، اعدام های دسته جمعی فعالین سیاسی و مخالفین حکومت اسلامی و قدرت سرکوب و با استفاده از نعمت جنگ ایران و عراق انقلاب را در هم کوبید. در ادامه این سیاست سرکوبگرانه همین نیروهای همراه و مدافع حکومت اسلامی که با به قدرت رسیدن خمینی و شرکا، پشت سر خمینی قرار گرفته بودند و از رهبری او دفاع کردند، یکی بعد از دیگری مورد حمله قرار گرفته و در هم کوبیده شدند.

این روند در کردستان شکل دیگری بخود گرفت انقلاب در کردستان همچنان قلبش میتپید. علت اصلی ادامه انقلاب در

بعدا و به مرور زمان با حاشیه ای شدن جریان اسلامی در کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران جای این جبهه را علیه کمونیستها پر کرد. از این مقطع به بعد ما شاهد ایجاد موانع بیشتری از جانب رهبران حزب دمکرات و تلاش آنها برای سازش با جمهوری اسلامی، همکاری آنها با سپاه زرگاری و دفاع آنها از شیوخ و مالکین و خانهای منطقه در مقابل پیشروی انقلاب و دفاع آنها از سرمایه داران و صاحبان کوره های آجر پزی علیه کارگران هستیم. به همین دلیل بارها نیروی مسلح حزب دمکرات جریانهای چپ را مورد حمله قرار داده و با هم درگیر شدند و متأسفانه تعدادی از نیروهای مسلح طرفین قربانی این سیاستهای حزب دمکرات شدند.

با این حال چپ و نیروی انقلاب سیر بالندگی و پیشروی خود را ادامه دادند. این قدرت و توانایی چپ تنها حاصل قدرت اسلحه و نیروی نظامی نبود. بلکه حاصل تحولات مناسبات سیاسی و اقتصادی گسترده تری در ایران بود که طبقه نوظهوری به اسم کارگر در کردستان پا به میدان تحول اجتماعی گذاشته بود. هر چند که خود کومله آن زمان نتوانست این نیرو را آنچنانکه لازم و عملی بود سازمان بدهد و به آن اتکا کند، اما وجود این نیروی تحول خواه و خیل روشنفکران انقلابی، شرایط تازه ای را خلق کرده بود که قدرت و وجود اجتماعی چپ از آنجا ناشی میشد.

اگر پروسه تحولات کردستان را از نزدیک نگاه کنیم متوجه این واقعیت مهم میشویم. در ابتدای انقلاب دو جبهه در مقابل هم صف آرایی کردند (جبهه انقلابیون و کمونیستها و مردمی معترض و مبارز که حکومت اسلامی را قبول ندارند، و جبهه جریانهای اسلامی به رهبری خمینی که در کردستان مفتی زاده آنرا نمایندگی میکرد و حزب دمکرات کردستان ایران دو فاکتو خود را در این جبهه قرار میداد) بعدا طی مرور زمان جریان اسلامی در کردستان به رهبری مفتی زاده شکست خورد و حزب دمکرات با نقشی بینابینی تلاش میکرد که

فرمان حمله خمینی به کردستان ...

از صفحه ۳



همزیستی مسالمت آمیزی با جمهوری اسلامی داشته باشد. اما سازش ناپذیری خمینی و جریان قدرتمند داخل رژیم امکان همزیستی حزب دمکرات با خود را بر نتابد و آن حزب را حزب منحل دموکرات نامید.

با فرمان خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ حمله به کردستان آغاز شد و کل مخالفین و حتی حزب دمکرات که رهبری خمینی را پذیرفته بود و خواهان سازش با حکومت بود را مورد حمله قرار داد. بعد از سه ماه

این حمله با شکست مواجه شد. رژیم اسلامی با پیش کشیدن تاکتیک مذاکره به وقت خریدن برای تدارک حمله نهایی روی آورد.

با حمله رژیم به کردستان و نقش مغرب جریان مفتی زاده و بعداً نقش بینابینی حزب دمکرات انقلاب در کردستان ناچار به عقب نشینی شد.

سنگر ادامه انقلاب به سنگر دفاع از خودمختاری تبدیل شد. از این مقطع خواست خودمختاری برای کردستان جای شعارها و مطالبات انقلابی و ادامه انقلاب را گرفت.

بجای رهبران واقعی و چپ جامعه شخصیتی مثل شیخ عزالدین حسینی عروج کرد. شعار جبهه چپ و راست جامعه بر محور خودمختاری برای کردستان تعریف شد. در این مقطع چپ جامعه و سازمانهای درگیر از جمله کومله به عنوان سازمان اصلی چپ در کردستان از انجام وظایف اصلی و انقلابی خود باز میماند. تفاوت کمونیستها و ناسیونالیستها در این زمان بر محور سیاست سازش یا قاطعیت در مقابل جمهوری اسلامی تعریف میشود. بحث و اختلاف اصلی حزب دمکرات کردستان و کومله و یا چپ و راست جامعه بر

یعنی سال ۵۸ تا مقطع سال ۶۲ که یک بار دیگر توجهش به مسایل اساسی و طبقاتی جلب میشود، از وظایف سیاسی و طبقاتی خود غافل شد. از سال ۶۲ با تشکیل حزب کمونیست ایران و نقش برجسته و تعیین کننده منصور حکمت علیرغم دوران عقب نشینی انقلاب و پروسه عملی شکست انقلاب بوسیله ضد انقلاب اسلامی کمونیستها و چپ کردستان امکان و توان اینرا پیدا کردند که آلترناتیو خود را به جامعه اعلام و تلاش همه جانبه ای برای بازسازی صف کارگران و جنبش کمونیستی را آغاز کنند.

ایسکرا: اگر بخواهید به نقش و عملکرد حزب دمکرات کردستان ایران و تاریخ این حزب اشاره ای بکنید روی چه جنبه هایی انگشت خواهید گذاشت؟

همان دوره منحل و عمر سیاسیش تمام شد و حزب دمکرات کردستان ایران هم فقط با تحولات انقلاب ۵۷ توانست دوباره پا به عرصه سیاست بگذارد.

با این پیشینه حزب دمکرات کردستان ایران انقلاب سال ۵۷ را فرصت دیگری میدانست که بتواند شریک قدرت بشود و انتظارش این بود که جمهوری اسلامی قدرت محلی در کردستان را به این حزب محول کند. جمهوری اسلامی این انتظار را برآورد نکرد. اما حزب دمکرات با فشار از پایین و چانه زنی در بالا به دنبال تعادلی بود که

سهمی از قدرت را عاید خود کند. این سیاست راه به جایی نبرد و حزب دمکرات به عنوان تنها حزب ناسیونالیست کرد در آن زمان نه تنها نتوانست جنبش و پایه خود را



گسترش بدهد، بلکه به مرور زمان به دلیل سیاستی که دنبال میکرد کم نفوذ تر شد.

تحولات اجتماعی و وجود جنبش رو به گسترش کارگری و چپ در جامعه، جنگ افروزی این حزب با کومله و شکستش در این جنگ، حزب دمکرات را با بحران داخلی مواجه کرد. اکنون ما شاهد چندین جریان و حزب در درون جنبش ناسیونالیستی هستیم که اکثراً از این حزب منشعب شده اند.

ایسکرا: با وجود این تاریخ و حضور و تجربه شخصی خودتان در این تحولات پیام امروز شما به مردم کردستان چیست؟

محمد آستگران: تا جایی که به تجربه شخصی و حضور من در این تاریخ مربوط است باید تاکید کنم من یکی از هزاران نفری بودم که در

محمد آستگران: حزب دمکرات کردستان ایران تاریخاً یک حزب سنتی و به درجات زیادی عشیرتی بود. این حزب در دوران جنگ جهانی دوم و در متن رقابت قدرتهای جهانی به کمک ارتش استالین شکل گرفته بود. هنگامیکه این ارتش بعد از امضای صلح و تقسیم منطقه نفوذ بلوک شرق و غرب از ایران عقب نشست (زیرا ایران حوزه نفوذ غرب بویژه آمریکا تعریف شده بود) حزب دمکرات کردستان و جریان پیشه وری در آذربایجان که یک دو قلو همزاد در آن دوره و به امید کمک ارتش استالین پا به عرصه سیاست و تقسیم قدرت گذاشته بودند، عمر حکومت محلی آنها به پایان رسید.

با خروج ارتش شوروی و حمله ارتش شاه و در هم شکستن حکومتهای محلی آنها دوران تاثیر گذاری این دو حزب تمام شد. جریان پیشه وری

این جدال اجتماعی شرکت داشتیم. هم شریک ادامه مبارزه در این پروسه بوده ام هم از آن آموخته ام و هم صحنه های دلخراش و بیرحمانه ای از هجوم اسلامیون به مردم تحت ستم را دیده ام. رفقای زیادی را در این راه از دست داده ام و فداکاریهای بی نظیری از آنها دیده ام. من افتخار اینرا داشته ام که در کنار رفقای برجسته ای مثل صدیق کمانگر و بهمن عزتی و بعداً منصور حکمت و صف طویلی از کمونیستهای ایران بیاموزم و همزمان تجارب و درسهای آموخته ام را به رفقای تازه وارد به صفوف این مبارزه منتقل کنم.

در این مسیر اما یک موضوع برجسته وجود دارد و آنهم اینکه باید تلاش کرد این تاریخ را از زبان رهبران این حرکت انقلابی و عظیم و از زبان فعالین و مردمی که قهرمانانه جنگیدند و لطمات زیادی را نیز متحمل شدند، نوشت. باید تاریخ شکست نخوردگانی را بنویسیم که نگذاشتند هیچگاه آب خوشی از گلولی رژیم اسلامی در کردستان پایین برود. آکتورهای این حرکت در کردستان بسیار بودند و طبعاً هریک از زاویه منافع سیاسی خود خواهند نوشت. کمونیستها و انقلابیون آزادیخواهی که برای آزادی و برابری جنگیدند، کسانی که در هر قدم پیشروی، تاثیراتشان در زندگی مردم برجسته بود، کسانی که از برابری زن و مرد و آزادی بی قید و شرط بیان دفاع کرده و میگفتند که جامعه کردستان طبقاتی است و ناسیونالیسم کرد پاسخگوی هیچ دردی نیست، باید تاریخ این دوره را بنویسند. من به عنوان یکی از همراهان و فعالین جریان کمونیستی در کردستان اینرا وظیفه خود میدانم و از همه فعالین کمونیست این جنبش عظیم دعوت میکنم که تجارب و تحلیل تحولات این دوره تاریخی را به نسل جوان منتقل کنند. نسل بعد از ما هنوز تمام جوانب و تحولات آن دوره را نمیشناسد.

نباید اجازه بدهیم اشتباهات و کمبودهای آن دوره یک بار دیگر مجال تکرار بیابند. طبعاً انتظار این میرود که نسل جوان هم با حساسیت

فرمان حمله خمینی به کردستان ...

از صفحه ۴

از صفحه ۱ مروری کوتاه به مناسبت ...



چنین می گوید:

"مرزها را آزاد کردند، قلمها را آزاد کردند، گفتار را آزاد کردند، احزاب را آزاد کردند، به خیال اینکه آنها یک مردمی هستند، اینها خراب کارند، دیگر با این اشخاص نمی شود با ملایمت رفتار کرد. اینها یک جمعیت خرابکارند، یک جمعیت فاسد هستند، اینها را ما نمی توانیم که بگذاریم که هر کاری که دلشان می خواهد بکنند. حالا هم اعتراض کرده اند که خود شماها دارید این کارها را می کنید. نظیر آنها که پریروز و چند روز پیش آن خرابکاری را کردند. خودشان ایجاد غائله می کنند بعد گردن مردم می گذارند. یک چنین مردمی هستند، با اینها باید با شدت رفتار کرد و با شدت رفتار می کنیم."

این سخنرانی در ساعت ۸ شب از رادیو و تلویزیون رژیم اسلامی پخش شد و صبح روز ۲۸ مرداد روزنامه های دولتی آنرا به چاپ رساندند.

در همان روز سپاهیان اسلام از قبیل مجاهدین انقلاب اسلامی، فداییان امام یا کفن پوشان، دانشجویان خط امام، سپاهجامگان، اوباشان و قداره بندان همراه ارتش و ژاندارمری تازه اسلامی شده، بسوی کردستان سرازیر شدند. ستونهای ارتش و سپاه گسیل شد و با هر امکانی که داشتند از زمین و هوا به مردم حمله کردند تا انقلاب را سرکوب کنند و خلخالی جلا داد هم از طرف

خمینی بعنوان حاکم شرع اختیار تام را گرفته و برای قضایی کردن مردم کردستان راهی این دیار شد و از جنوب تا شمال کردستان شروع به اعدام های دسته جمعی شریفترین انسانها کرد. ماه مرداد یاد آور این تهاجم وحشیانه علیه مردم کردستان و علیه انقلاب مردم در سراسر کشور است. رژیمی که طی ۳۲ دو سال از موجودیتش فقط با زور کشتار و گرفتن جان دهها هزار انسان تاکنون توانسته

است سر پا بماند. اما انقلاب مردم ایران برای سرنگونی جنایتکارترین حکومت تاریخ معاصر بساط اوباشان حکومت اسلامی را برای همیشه به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد. زنده باد انقلاب.*

روستا را بهم بیوند دهد. جامعه بشدت آستان تغییر بود. شرایط و موقعیت تاریخی مهمی برای تحولی عظیم پیش آمده بود که کارگران و زحمتکشان کردستان بخصوص کشاورزان علیه ملاکین در آن احساس قدرت می کردند. کردستان در واقع مرکز انقلاب و سنگر انقلاب ایران شده بود. بسیاری از رهبران سازمانها و احزاب و هم چنین شخصیتهای چپ و کمونیست به کردستان می آمدند تا در تقویت اهداف و آرزوهای واقعی انقلاب نقش خود را ایفا کنند. از مقطع ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۲۸ مرداد ۵۸ کردستان عملاً به کانون ادامه انقلاب در ایران تبدیل شده بود.

نظام اسلامی از وحشت ادامه انقلاب ۵۷ در کردستان به هراس افتاده بود و تاب تحمل دیدن چنین وضعی را نداشت. خمینی جنایتکار برای باز پس گرفتن این دستاوردها با این بیان سرکوبگرانه علیه آرزوهای انقلاب مردم فرمان حمله به کردستان را در روز ۲۷ مرداد ۵۸ صادر کرد. او در بخشی از پیامش چنین گفت:

"از اطراف ایران گروههای مختلف ارتش و پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده اند من دستور بدهم سوی پایه رفته و غائله را ختم کنند. من از آنان تشکر می کنم و به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می کنم، اگر با توپها و تانکها و قوای مسلح تا ۲۴ ساعت دیگر بسوی پایه حرکت نشود من همه را مسئول می دانم."

بعد از ظهر همان روز ۲۷ مرداد در شهر قم نمایندگان مجلس خبرگان به دیدن او می روند و او در سخن رانی اش در حضور آنان مردم کردستان را اشرار، فاسد، خرابکار می خواند و

برای سرنگونی رژیم سلطنت شرکت کردند.

مردم کردستان از همان روزهای اول انقلاب ۵۷ رژیم اسلامی را اساساً به رسمیت نمی شناختند اگر در ایران نظام تازه بدوران رسیده اسلامی توسط کله های آخوند در مساجد و غیره توانسته بودند نیرویی را دور خود جمع کنند و توسط ارتش تازه اسلام شده و فاشیسم حزب الله شروع به سرکوب انقلابیون و نهاد های انقلابی کنند، در کردستان به یمن یک جنبش انقلابی، چپ و رادیکال این امکان را نداشتند و فضای کردستان عملاً فضای چپ بود و با طرح مشخص خواستهایش عرصه را به جریان اسلامی خمینی و نمایندگانش تنگ کرده بود. در کردستان تحول نوینی که صدای انقلاب ۵۷ را نمایندگی می کرد در راه بود که هر روز با شعارها و خواسته هایش انقلابی تر و رادیکالتر می شد به حرکت خود ادامه می داد. شعار آزادی برابری سر لوجه همه تراکتها و همه اعتراضات شده بود. شعار های دیگر مانند کار برای کارگر، زمین برای بزرگوار آزادی برای روشنفکر، کارگر، برزگر، روشنفکر اتحاد اتحاد و پیوندتان مبارک در تمام تظاهراتها و میتینگ ها طنین انداز بود. در همان اوانل انقلاب این شعارهای مردم کردستان بخصوص مردم شهرسیندج بود. این شعارها وسیعاً توده گیر بود و صف کارگران و زحمتکشان و جریانات و سازمانهای چپ و رادیکال را از صف یک جریان حاشیه ای و منزوی مذهبی جدا می کرد. این شعارها بر خاسته از آمل و آرزوهای مردم کردستان بود که در صفوف تظاهراتهای دهها هزار نفره مردم مداوماً تکرار می شد. این فضای رادیکال، توانست بسرعت شهر و

پیروزی و شادی و سرافرازی است. همه اینها را میتوان و میشود در گوشه هایی از این تاریخ دید. اما آنچه ماندنی است تلاش بشر برای بهتر زیستن است و مردم کردستان طبقه کارگر و کمونیستهای این جامعه در این تلاش نقش بسیار برجسته و ارزنده ای داشته اند. این تاریخ را باید گرمی داشت. تاریخ مورد بحث ما در محدوده کردستان در عین حال تاریخ جدال جنبشهای کمونیستی و ناسیونالیستی و اسلامی بوده است. خوشبختانه کمونیستها در این تاریخ سر بلند و مفتخر بودند. تاثیرات بسیار عمیقی در جامعه گذاشتند و حق دارند بر نقش خود ببالند و از کمبودها و اشتباهات خود درس بگیرند و قاطعتر و نیرومند تر از همیشه دشمن را به مصاف بطلبند.

۲۸ مرداد فرمان حمله یک جانی و آدمکش حرفه ای به اسم خمینی به کردستان بود. در این حمله جنایتکارانه تمام مدافعین و مریدان او و تمام اصلاح طلبان امروزی مانند موسوی، کروبی، گنجی، سازگار، حجاریان، عبدالکریم سروش، و کلاطیف ملی مذهبی ها شریک بودند. سبایان و یزدی و سحابی و ... از جمله افراد شاخص این طیف بودند که مستقیم در سرکوب مردم کردستان نقش ایفا کردند. رژیم اسلامی بر روی حرکت و جنبش انقلابی مردم در کردستان خون پاشید و انسانهای زیادی قربانی این فرمان شدند. امروز مردم کردستان با کوله باری از تجارب غنی و با یک تاریخ پر افتخار مبارزه نظری و عملی، میتوانند بگویند که مفتخر هستند که حتی یک روز هم حاکمیت این جانین را نپذیرفتند و بر ایده های انسانگراییانه و مدرن و انقلابی خود کماکان پای می فشارند. فریاد سرنگون باد حکومت اسلامی، زنده باد انسانیت، فریاد ضدیدت با حکومت سرمایه داران و دفاع از آزادی بیان و عقیده و رفاه و

تعالی انسان، حضور فعالانه کارگران و زنان و جوانان در تحولات کردستان همگی بیانگر جنبشهای است که برای آزادی و حرمت انسانی به پیش میروند.*



و دقت لازم این تاریخ را مرور کند و از تجارب آن دوره بیاموزد. در عین حال اینرا هم لازم میدانم اشاره کنم که سابقه و تاریخ حضور در این مبارزات و حتی فداکاری و جانبازی در این تاریخ، معیاری برای درستی و راستگویی انتقال این تجارب نیست. کم نیستند کسانی که به نرخ روز نان خوردند و از صف کمونیستها به صف ناسیونالیستها و قومپرستان نقل مکان کردند. کم نیستند کسانی که به تاریخ خود لعنت فرستادند و از آن پشیمان شدند. کم نیستند کسانی که آرمان رهایی بشر را رها کرده و امروز آنرا تخیلی، ذهنی و غیرواقعی میدانند. کم نیستند کسانی که قومپرستی و ملت پرستی و خاک پرستی را به جای آرمان رهایی بشر گذاشته و پرچم ملت و قوم خود را به جای پرچم انسانیت و برابری و رهایی از ستم و استثمار سرمایه نشانده اند. این عقبگردی است که محدوده اش جغرافیای کردستان نیست.

هنگامیکه اعلام کردند شروع دهه ۹۰ میلادی پایان تاریخ است، هنگامیکه اعلام کردند که کمونیسم مرده است و هنگامیکه ناسیونالیسم و مذهب و قومیت و ملیت به جای آرمان رهایی بشر در بوق و کرنا به صدا در آمد، ناسیونالیستهای وطنی هم امید پیدا کردند و کمونیستهای غیر کارگری هم به صف آنها حسرت بردند و ابتدا با خجالت و بعداً با وقاحت همان شعار را تکرار کردند.

تاریخ بیش از سه دهه گذشته در کردستان مثل تاریخ هر جغرافیای دیگر بشر امروز، تاریخی پر از درد و رنج است. تاریخی پر از فداکاری و جانبازی و شکست و

فرمان حمله خمینی به کردستان

"از اطراف ایران گروه‌های مختلف ارتش پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده‌اند من دستور بدهم به سوی پاوه رفته، غانله را ختم کنند. من از آنان تشکر می‌کنم و به دولت و ارتش و زاندارمری اخطار می‌کنم. اگر با توپ‌ها و تانک‌ها و قوای مسلح تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود، من همه را مسئول می‌دانم..."
{روزنامه‌های کیهان و اطلاعات ۲۷ مرداد ۱۳۵۸}



اعدام ۱۱ نفر در شهر سنندج
روز ۵ شهریور ۱۳۵۸
ساعت ۵ بعدازظهر. دو تن از آنها زخمی بودند (احسن ناهید از ناحیه ران پا، با استفاده از برانکار و ناصر سلیمی از ناحیه دست راست
۱- احسن ناهید
۲- شهریار ناهید
۳- جمیل یخچالی
۴- ناصر سلیمی
۵- عبدالله فولادی
۶- مظفر نیازمند
۷- سیروس منوچهری
۸- اصغر مبصری
۹- مظفر رحیمی
۱۰- عیسی پیرولی
۱۱- عطا زندی



علیرغم همه اینها، معرکه گیری اسلامی تنها توانست وقفه ای در روند انقلاب ۵۷ ایجاد کند. رویدادهای دوره بلافاصله پس از قیام بهمن نشان داد که دینامیسم انقلاب هنوز برجاست. نشان داد که مردم، هر چه بر زبانشان انداخته شده بود، بهر حال نه برای اسلام بلکه برای آزادی و رفاه اجتماعی به میدان آمده بودند و هنوز در میدان مانده بودند. بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی بسیار خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری‌ها و تلاشها نتوانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور می‌چسبد و حلقه بعدی آن است. خمینی، بازرگان، سنجابی، مدنی، فروهر، یزدی، بنی صدر، رجایی و بهشتی، نامهایی هستند که باید بدنیاال محمد رضا پهلوی، آموزگار، شریف امامی، بختیار، اویسی، ازهار و رحیمی آورده شوند، بعنوان مهره‌هایی که یکی پس از دیگری جلوی صحنه می‌آیند تا شاید راه انقلاب و اعتراض مردم را سد کنند. رژیم سلطنت و مهره‌های رنگارنگش در مقابل ضربات پی در پی جنبش اعتراضی شکست خوردند. حکومت اسلامی، در عوض، قادر شد فرصت بخرد، نیروی ارتجاع را بازسازی کند و انقلاب مردم را به خونین‌ترین شکل در هم بکوبد. دستور کار هر دو رژیم یک چیز بود.

منصور حکمت: تاریخ شکست نخوردگان

اسامی ۵۹ نفر از اعدام شدگان در جریان حمله رژیم به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸



شهریار ناهید



احسن ناهید



ناصر سلیمی



حسین پیرزادانی



جمیل یخچالی



عیسی پیرولی

اعدام ۱۱ نفر در شهرستان سنندج

روز ۵ شهریور ۱۳۵۸ ساعت ۵ بعدازظهر ۲ تن از آنها مجروح بودند (احسن ناهید از ناحیه ران پا، با استفاده از برانکارد و ناصر سلیمی، از ناحیه دست راست).
 ۱- عبدالله نوری
 ۲- هوشنگ عزیز
 ۳- محمد محمودی
 ۴- بداله محمودی
 ۵- حسین شیبانی
 ۶- هرمز گرجی بیانی
 ۷- مظفر فتاحی
 ۸- محمد عزتی
 ۹- محمد عزیز
 ۱۰- اذرنوش مهدویان
 ۱۱- اصغر بهبود

اعدام ۱۱ نفر از اهالی شهرستان باوه

ساعت ۲ و ۴۰ دقیقه بامداد ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ در زندان دیزل آباد کرمانشاه:
 ۱- حاجی افراسیاب
 ۲- عبدالوهاب ملک شاهی
 ۳- عمادالدین ناصری
 ۴- عبدالکریم کریمی
 ۵- محمد نقشبند
 ۶- عزیزمراد
 ۷- مراد ذوالفقاری

اسامی ۷ تن دیگر از اعدام شدگان باوه

بامداد روز ۲۹/۵/۱۳۵۸ در محوطه زندان دیزل آباد کرمانشاه:
 ۱- حاجی افراسیاب
 ۲- عبدالوهاب ملک شاهی
 ۳- عمادالدین ناصری
 ۴- عبدالکریم کریمی
 ۵- محمد نقشبند
 ۶- عزیزمراد
 ۷- مراد ذوالفقاری

اعدام ۹ نفر در شهر مریوان

ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه ۲ شهریورماه ۱۳۵۸:
 ۱- حسین مصطفی سلطانی
 ۲- امین مصطفی سلطانی
 ۳- احمد پیرخضری (کارمند بیمارستان)
 ۴- حسین پیرخضری (معلم)
 ۵- قایق عزیزی (عضو شورای شهر مریوان)
 ۶- علی داستان (پیشمرگه)
 ۷- بهمن اختری (پزشک و فیلمبردار)
 ۸- جلال نسیمی
 ۹- احمد قادرزاده اهل روستای دره قی

اعدام ۲۰ نفر در شهرستان سقز

ساعت ۷ بامداد ۶ شهریور ۱۳۵۸:
 ۱- احمد سعیدی
 ۲- قادر بهار
 ۳- محمد بامامیری
 ۴- رسول امینی
 ۵- ناجی خورشیدی
 ۶- کریم رضائی
 ۷- انور اردلان
 ۸- سیف اله فیضی
 ۹- علی فخرایی
 ۱۰- عبدالله بهرامی
 ۱۱- سیدحسین احدی
 ۱۲- محمد درویش تفرهای
 ۱۳- کریم شیرینی
 ۱۴- لیوگر حمیدی
 ۱۵- احمد مقد م
 ۱۶- جلیل جمالزاده
 ۱۷- کنشی زاده
 ۱۸- محمد غفاری
 ۱۹- خاطر خطیبی
 ۲۰- ناصر حدادی

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

- ۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت
- ۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند
- ۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت
- ۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم
- ۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

- ۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی
- ۲- لغو مجازات اعدام.
- ۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.
- ۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت
- ۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه
- ۸- تامین فوری میرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.*



Ebrahim Mstadi Ghohar Ghoharloo Mansour Ghoharloo Reza Shakabi Behnam Drahbar-zadeh

Free jailed workers in Iran

اخباری از شهرهای کردستان

مرگ دو زندانی عادی و نا آرامی در زندان مرکزی مهاباد
ساعت ۱۰ شب یکشنبه شانزدهم مرداد ماه، یک زندانی عادی در زندان مهاباد به نام علی اشکان بر اثر فشار خون و ناراحتی قلبی در بهداری زندان جان باخت. یکی از دلایل مرگ علی اشکان ۶۵ ساله، تعلق در اعزام نامبرده به بیمارستان است.

نیروهای امنیتی مجهز به دستگاه دریافت سیگنال ماهواره با فعال کردن آن مقابل درب منازل، بدون داشتن مجوز رسمی اقدام به تفتیش و ضبط ماهواره های شهروندان این شهرستان نموده اند.

در قبایل درخواست شهروندان مبنی بر اینکه شما مجوز ندارید و حق ورود به منازل ما را ندارید نیروهای امنیتی ابراز داشته اند لباس ما مجوز ماست.

نیروهای امنیتی در این ارتباط شهروندان را به پرداخت جریمه یک میلیون ریال محکوم و افرادی که از پرداخت این مبلغ امتناع کرده را بازداشت کردند

نگرانی نسبت به وضعیت چهار زندانی در زندان بیجار

چهار زندانی که روز دوشنبه ۳ مردادماه از زندان مریوان به زندان بیجار تبعید شده بودند دست به اعتصاب غذا زدند.

در پی اعتصاب و اعتراض تعدادی از زندانیان جرایم عادی و سیاسی زندان مریوان در روز دوشنبه ۳ مردادماه و درگیری ما بین معترضین و کارمندان حفاظت اطلاعات این زندان، هشت تن از این زندانیان توسط نیروهای گارد ویژه زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و چهار تن از این زندانیان به زندان بیجار و چند تن دیگر نیز به زندان قروه تبعید شده اند.

با گذشت دو هفته چهار زندانی تبعیدی به زندان بیجار به نامهای حسن اخترسمند، زکریا خداکرم زاده، سیوان باتونه و فرشاد کمانگر همچنان به اعتصاب غذای خود ادامه داده اند و مسولین زندان هرگونه حق تماس و ملاقات آنان را با خانواده هایشان قطع کرده اند.

مسولین زندان بیجار اعلام کرده اند تا زمانی که این زندانیان به

همچنین در گزارشی دیگر یک زندانی جوان اهل مهاباد به نام خبات احمدی که از ناراحتی اعصاب رنج می برد صبح روز دوشنبه در بهداری زندان مهاباد فوت کرد. از علت مرگ این زندانی هنوز روشن است.

به دنبال مرگ این زندانی، تعدادی از زندانیان بند ۱ زندان مهاباد دست به اعتراض زدند که با دخالت گسترده مأمورین و حضور آتش نشانی، این ناآرامی خاتمه یافت.

عارف ابراهیمی آموزگار سنجی بازداشت شد

عارف ابراهیمی از معلمان ناحیه ۲ شهر سنندج از سوی نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت شد. عارف ابراهیمی چند روز پیش توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

علی رغم تلاش نزدیکان ایشان هنوز از وضعیت نامبرده اطلاعی در دست نیست و این موضوع موجب نگرانی خانواده نامبرده و همکارانش شده است.

جمع آوری آنتن های ماهواره ای در سرپل ذهاب

روز شنبه پانزدهم مرداد ماه سال جاری جمع آوری آنتن های ماهواره در شهرستان سرپل ذهاب توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی ایران در سطح وسیعی انجام پذیرفت

اعتصاب غذا ادامه بدهند، حق تماس تلفنی و ملاقات ندارند و این موضوع موجب نگرانی نسبت به وضعیت این زندانیان شده است.

بازداشت و بی خبری از وضعیت حامد علوی جانی معلم و فعال فرهنگی شهر دیواندره

از وضعیت حامدعلوی جانی، معلم و فعال فرهنگی شهر دیواندره نزدیک به دو ماه است که اطلاعی در دست نیست. حامد فعال صنفی معلمان حدود دو ماه پیش توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. پیگیری های خانواده او تا کنون نتیجه ای نداشته است. اتهام علوی جانی ارتباط با احزاب کردی و فعالیت های صنفی و فرهنگی اعلام شده است.

کشته و زخمی شدن دو کارگر در مناطق مرزی کردستان

روز سه شنبه ۱۸ مرداد ماه یک کارگر مرزی به نام «بهمن ناوختی» اهل روستای (مایسر) در مرز «مرانه» ی مریوان، با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی جان خود را از دست داده است.

همچنین در روستای (نه- منجی) پیرانشهر، نیروهای انتظامی به سوی کارگران مرزی در این منطقه شلیک کرده که یکی از کارگران به سختی زخمی شده و او را به بیمارستان پیرانشهر منتقل کرده اند.

کشته و یا زخمی شدن کارگران مرزی در حالی است که در مدت دو سال گذشته در مناطق مرزی کردستان، بیشتر از ۱۵۰ کارگر مرزی کشته و ده ها نفر دیگر نیز زخمی شده اند.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!